

بی تفاوتی در بیانات اعلیحضرت

(قسمت هفتم)

ملکه سوم دکتر عباس میلانی!

انقلاب خودجوش

امیرفیض - حقوقدان

سومین موردی که در اظهارات گزیده دکتر میلانی! در مصاحبه افق، بمنظور انتخاب ملکه سیاسی سرمایه گذاری شده، عنوان خود جوش بودن انقلاب! ۵۷ است که در عبارت زیرببازار ارزیابی آمده است.

<این حرف درست است که انقلاب ایران خود جوش بوده است>

(توضیح = هر جا کلمه انقلاب بتحریر میآید نقل قول است ومفهوم آن همان شورش ۵۷ میباشد این تصریح، مشابه وتکرار تصریحی است که در سالهای نخستین مبارزه واز جمله سنگراول فروردین ۶۹ اعلام گردیده وهمچنین یاد آور شد که نام جمهوری اسلامی در تحریرات سنگر، به عبارت مصطلح است و مقصود رژیم غاصب است)

خود جوش بودن انقلاب ایران

در تحریرات قبل بخشهایی از این سخن گهربار!! ایشان(عباس میلانی) به نقد کشیده شد واکنون نوبت خود جوش بودن انقلاب ایران است.

خود جوش بودن یعنی عملی که بدون دخالت عامل داخلی ویا خارجی تحقق یابد ودر کلامی معمول هرچه بطور طبیعی و آزاد صورت گیرد عنوان خود جوش ویا خود بخود را دارد.

خود جوش، یک عبارت بی محتوا و تبلیغاتی است والا از نظر منطق وفلسفه هیچ چیزی خود جوش و خود بخود بوجود نمیآید وهرچه در جهان هست ویا بوجود میآید رابطه علت ومعولی حاکم بر آن است حتی کسیکه داوطلبانه به انجام کاری مبادرت میکند، عمل آن شخص که معلول است علت آن، مسائل معنوی و اخلاقی است.

در یکی دوسال قبل که عده ای از اهالی تهران به سفارت انگلستان در تهران حمله کردند جمهوری اسلامی در اعلامیه خود هجوم مردم به سفارت انگلیس را خودجوش خواند (کار سیاسی نه اعلام واقعت).

در سال ۵۹ دانشجویان ایرانی مقیم لندن به پلیس لندن گفتند: «حمله به سفارت ایران در لندن نشان میدهد که این حمله بدون هماهنگی و اجازه دولت انگلیس ممکن نبوده است، و نمیتواند خود جوش شناخته شود»

در تظاهرات واشنگتن که علیه شاهنشاه براه افتاد و پلیس آمریکا گاز اشک آور استعمال کرد، وزارت خارجه آمریکا آن تظاهرات علیه شاه را خود جوش اعلام کرد.

امام جمعه اردبیل بنام قنبرعلی احمدی در مورد انقلاب اسلامی گفته است: «حرکت های خودجوش مردم اساسی ترین مبدای انقلاب اسلامی بوده است».

اظهار نظر فضیلانه! آقای میلانی در مورد خود جوش بودن انقلاب ایران! دقیقاً اقتباس از قنبرعلی، امام جمعه اردبیل است.

دلیل ادعا

از امام جمعه اردبیل کسی دلیل نمیخواهد و نمیتواند و نباید هم دلیل بخواهد و امام جمعه اردبیل هم ابداً نیازی به دلیل برای مسائلی که ادعا و یا طرح میکند ندارد ولی کسی که مدعی است ۱۰۰ هزار سند در رابطه با انقلاب آنهم انقلاب ایران! مطالعه و مستند اظهار نظرهایش ساخته باید ادعای خودش را مستند به شاهد و دلیل کند والا حرفش مفت است.

دلیل، پروانه جریان و ادای کلام است. کلامی که دلیل به همراه ندارد مانند شخصی است که پروانه ورود و عبور ندارد. جامعه منور و مستمع صاحب عقل، به کلام خارج از منطق و یانص و یا بدون دلیل کوچکترین اعتنایی نمیکند؛ و اگر کرد به ترویج سفاهت کمک کرده است. صرف ادعای اینکه ۱۰۰ هزار سند مطالعه شده نه تنها دلیل درک سند نیست، نه تنها غلو و ابراز منیت و دروغ است بلکه مفهوم وسیع و آشنائی هم دارد که آنرا در دوبیتی مشهور زیر میتوان گرفت.

علم چندان که بیشتر خوانی چون عمل در تون نیست نادانی

نه محقق بود نه دانشمند چارپائی بر او کتابی چند

دروغ، سلاح مبارزه

دروغ عام، نطفه خبیثه ای است که در کار مبارزه سیاسی و یا اغوای عمومی وسیله ای شناخته شده و متخصصین ماهر دارد. دروغ عام، زمینه ساز است برای حرکت دروغهای موازی و در نهایت پوشش راستی ها. ضریب المثل فرانسوی است که «دروغ دوبار گفته شود راست جلوه میکند» گویای مقصود است.

دروغ عام وقتی از سوی شخصیت های دینی و یا محققین و یا افراد بانام عنوان میشود بسرعت و بدون مکث و تردید در مسیر قبول جامعه قرار میگیرد و آنجاست که دروغ به اعتبار شخصیت و نام آن دروغگو، بامقابله ای روبرو نمیشود.

سلاح شورشیان در سال ۵۷ دروغ و اشاعه آن بود؛ از جمله تا آنجا که بیاد دارم خانه سرهنگ زیبایی با کیسه های پر از ناخن و ایجاد نمایشگاه و ناخن های بسته بندی شده - لیست خارج کنندگان ارز (بعدا کاستی بدست آمد که اسلام کاظمیه در آن اقرار کرده بود؛ که آن طرح و اجرای آن از او بوده است) - اتهام سرقت ۲۳ میلیارد دلاری به شاهنشاه (این دروغ سازی در خارج از کشور بوسیله صبح ایران به شاهنشاه زده شد) - اتهام اینکه رضاپهلوی ماهیانه ۴۰۰ هزار دلار هزینه محافظت خود را به مامورین مصری و مراکشی و آمریکائی میپردازد (ناصر رنجبین خارج از کشور) و بالاخره ادعای ۱۰۰ هزار کشته در شورش ۵۷ بوسیله دولت، که این یکی چنان جا افتاد که بختیار هم باور کرد و به آن استناد نمود و باغرور ایلی گفت «ما یکصد هزار کشته داده ایم».

خمینی بود که دروغ یکصد هزار کشته را اولین بار چاق کرد و بعد در مجلس و جرائد یکصد هزار معلول هم به آن اضافه شد و این رسوائی و دروغ عظیم حتی برای جمهوری اسلامی هم قابل هضم نشد و آنرا به رقم ۳۱۴۳ از ابتدای ۵۷ تا ۲۲ بهمن اصلاح کرد.

جالب اینجاست بنا بر اعلام اسناد کسانی که در جریان شورش ۵۷ کشته شده اند بر مراتب کمتر از کسانی بوده اند که در سال ۶۷ بدون محاکمه در زندان های جمهوری اسلامی ظرف مدت کوتاهی در مدت نخست وزیری موسوی اعدام گردیده اند.

بیماری ۱۰۰ هزار

گفته شده که آخوند جماعت از درک اعداد و وزن اجرائی آن غافل است و استناد آنها هم به کتاب خمینی است که گفته: > نظامیان اسلام ۶۰ نفرشان به ۶۰ هزار لشگر رومی حمله کرده و آنها را درهم شکستند و چند هزار از آنها ۷۰۰ هزار رومی را از پا در آوردند و عده معدودی ایران را مسخر نمودند».

(صفحه ۷ کتاب کشف الاسرار خمینی)

ولی با اظهارات آقای میلانی معلوم شد که بی عقلی نسبت به رقم و اعداد، مخصوص آخوند هائی مانند خمینی نیست بلکه کمونیست ها و توده ای های سی و پنج سال قبل هم هنوز به همان بیماری مبتلا هستند و همانطور که خمینی نمیدانست ۶۰ هزار لشگر چه تعداد سرباز است میلانی هم نمیداند که ۱۰۰ هزار سند یعنی چه و چون مردم در مقابل خمینی چیزی نگفتند، حشرات هم خیال میکنند همان خرمگس هستند و بر حسب سنگ مفت و گنجشگ مفت آنها می پرانند و آن احمق هائی که رقم ۱۰۰ هزار سند را از میلانی شنیده اند و به او رای داده اند و یا دهقانیور که آنها شنید و دم بر نیاورد؛ چه چیزی از آبروی خود را بنمایش گذاشته اند.

دستاوردهای آمریکا از اجرای این نمایش

صدای آمریکا از برنامه مزبور این مهم را تحصیل کرد که یک نفر که استاد دانشگاه هم هست به استناد ۱۰۰ هزار سند و ۱۵ سال تحقیق به این نتیجه رسیده که انقلاب ایران!! خود جوش! بوده است و همین شخص به رتبه سوم هم به تشخیص ایرانیان خارج از کشور رسیده است. **آیا دشوار است که از ارزش این**

صحنه سازی ها که آمریکا راز اتهام دخالت در امور ایران و تدارک شورش ۵۷ مبرا میسازد غافل نماند؟
دستآورد ضمه آن که به بازیگری مجتبی واحدی بود این پرده را باز کرد که انقلاب منحرف شده و صاحب حقیقی آن جنبش سبز است که واحدی آنرا از طرف آخوند کروی نمایندگی میکند.

بالاخره مشارکت و سکوت اعلیحضرت در این نمایش نوعی تائید اصالت نمایش و اظهارات شرکت کنندگان در نمایش است؛ و پافشاری و نقش تیراندازی راهم که ایشان در این نمایش برای خود قائل شدند درجه اطمینان ایشان رابه اظهارات دیگر شرکت کنندگان میرساند.

واقعا مانده ام اعلیحضرت که خودشان افق ایران را براه انداخته و دارند دیگر چرا خودشان رابه این آسانی طعمه افق آمریکا میفرمایند؟ تصور نمیکنم افق ایران هروابستگی که داشته باشد در حد افق آمریکا وقیح و مزدور باشد. لاقل افق ایران مال اعلیحضرت است، با بی وفانی به فرهنگ و منش ایرانی و بهرحال، میشود اعتراض کرد ولی کجا میتوان به صدای آمریکا اعتراض کرد، **واقعا که اعلیحضرت سنگ رابسته و سگ را گشوده اند.**

فیل و فنجان

تاثیر آن برنامه صدای آمریکا کجا و تحریرات معترض کجا حقیقتا که در عرض فیل و فنجان هم جای قیاس ندارد ولی معهدا با علم به این حقیقت تلخ، نمیتوان ساکت ماند. کسبیکه از تهاجم ناراستی نخواهد دفاع کند لیاقت دفاع از وطنش را ندارد.

ضرب المثلی است که میگویند <تاتنور داغ است نانت رابیز> انتظار بود که در همان صحنه سازی لاقل اعلیحضرت یک اشاره ای به ادعای بی دلیل و مغرضانه میلانی میکردند که این رسوب سخت را ادعای بی وجه او از خود باقی نگذارد. انتظار نبود که ایشان آن ادعای مطلق میلانی را رد میکردند خیر چنین جوهری در وجود ایشان نیست و متاسفانه خود ایشان هم از آلودگی های فکری و اعتقادی نسبت به شورش ۵۷ پاک نیستند ولی از آنجا که هیچ چیزی بطور مطلق وجود ندارد و هر چه هست نسبی است و اشخاص فهمیده و عاقل در مقابل مطلق گرایی ساکت نمی مانند ایشان هم حق بود یک جای پانی برای شکاف در این مطلق گرایی میلانی نسبت به خود جوش بودن انقلاب!! بوجود میآوردند که نیاوردند.

واما بعد

قاعده دفاع بر پایه ادعای طرف بنا شده است. ادعا وقتی ادعای قابل دفاع محسوب میشود که دلیل، ضمیمه ادعا باشد. ادعای بدون دلیل، ادعای قابل اعتبار محسوب نمیشود و در یک جامعه منور اساسا ادعا و حرف بی دلیل قادر به حرکت و افتادن در مسیر قبول نیست، مثل پول بی اعتبار است، ولی در جوامع عقب مانده از فهم و شعور با همان معیار <در دروازه را میتوان بست ولی زبان مردم را نمیتوان> روبروست

از لحاظ اصول و منطق ادعای نادرست ولی مزورانه آقای میلانی قابل جواب نیست زیرا ادعای بی دلیل و حساب شده ایشان بمنظور تحصیل نتایج سیاسی برای کشور آمریکاست ولی از نظر سیر مبارزه، ایرانیان

که براین باورند (سکوت درمقابل اتهام، بخشی ازقبول اتهام است)، این تحریر به شهادت شهود وادله ای استناد میکند تا اهل تحقیق با صرف فرصت کمتری با حقیقت تحمیلی شورش ۵۷ و فساد اظهارات میلانی براحتی آشنا شوند.

شهادت شهود، در خود جوش نبودن انقلاب

درتعریف خود جوش بودن انقلاب! گفته شده خودجوش بودن یعنی روی دادن عملی بدون عامل داخلی و عامل خارجی؛ بنابراین درراه اثبات اینکه انقلاب ۵۷! بواسطه وجود عوامل داخلی و عامل خارجی بوجود آمد وبه ثمر رسید باید هر دو عامل یاد شده درجریان شهادت واثبات قرارگیرد.

عوامل داخلی

عوامل داخلی درجریان انقلاب ۵۷! رامیتوان در دوبارزه بررسی کرد یکی مادی و دیگری معنوی.

باززه مادی یعنی اموررفاهی واقتصادی و آموزش وپرورش وامثال آنها.

اسناد موجود شهادت میدهد که شورش ۵۷ به هیچوجه ارتباطی به مسائل اقتصادی ورفاهی نداشت و حتی آنقدراین موضوع قاطعیت داشت که رهبرشورش هم اعلام کرد که مردم برای اسلام انقلاب کردند نه برای خربزه و ارزانی مسکن ودریک سخنرانی گفت <من هیچ نمیتوانم تصورکنم و هیچ عاقلی نمیتواند تصورکند که بگوید ماجوانهایمان رابه کشتن میدهیم که خربزه ارزان شود وخانه گیرمان بیاید>.

شعارها وپلاکارتهای انقلاب ۵۷! هیچیک گویای شعارهای رفاهی واقتصادی نبود واین بدان معناست که مسائل مادی ورفاهی عامل انقلاب ۵۷! نبوده است.

اظهارات مهدوی کنی ازسردمداران بزرگ جمهوری اسلامی دائربه اینکه <ملت همه امکانات رفاهی را زمان شاه داشت ما آنها را گرفتیم که اسلام بیاوریم> دلیل آن است که نه تنها عامل اقتصادی ورفاهی سبب و عامل شورش ۵۷ نبود بلکه انقلاب اسلامی! به همان مقدار عامل رفاهی واقتصادی زمان شاه نیز نمیتوانست راضی باشد و آنرا مزاحم تحقق برنامه های انقلاب اسلامی! میدانست.

مانیفست انقلاب اسلامی!

ماهیت هرانقلابی ازروی مانیفست آن انقلاب شناخته میشود وهمچنین ازنامی دریافت میشود که انقلاب با آن نام نامیده میشود.

<قرآن کریم، مانیفست انقلاب اسلامی! است> (محسن صادقی رئیس آکادمی نخبگان سال ۱۳۹۰)

یعنی برای شناسائی انقلاب اسلامی! باید به قرآن رجوع کرد.

سومین عاملی که معرف ماهیت انقلاب! است اظهارات رهبرانقلاب! است که بیان کننده مانیفست انقلاب است. اظهارات خمینی ازجمله:

> پیروزی نهائی وقتی است که اسلام با همه ابعاد و احکامش در ایران پیاده شود و پیروزی بالاتر اینکه در همه اقطار عالم اسلام حکومت کند که اسلام مایه سعادت بشر است - این پیروزی ارتباطی به من ندارد پیروزی ارتباطی به ملت هم ندارد، این پیروزی مربوط به خداست - انقلاب اصیل ما جلوه ای از نهضت پر عظمت رسول خداست <.....<

عبارت > پیروزی انقلاب! ارتباطی به ملت ندارد و مربوط به خداست و انقلاب اصیل ما جلوه ای از نهضت بر عظمت رسول خداست < حرف آخر است که انقلاب ۵۷! نه ملی بوده و نه ایرانی بوده و نه به ایرانیان ارتباط داشته است. چه حرفی و یا کلامی مهمترو با اعتبار تر از بیان رهبرانقلاب! میتوان معرف ماهیت انقلاب ۵۷! باشد.

ریچارد کاتم که باتفاق رمزی کلارک با خمینی در پاریس ملاقات داشته عبارتی از قول خمینی نقل کرده که چنین است:

> ما مکلف هستیم که اسلام را حفظ کنیم. این تکلیف از واجبات مهم است حتی از نماز و روزه هم واجب تر است. همین تکلیف است که ایجاب میکند خونها در راه آن ریخته شود.<

نادیده گرفتن اظهارات صریح رهبرانقلاب!! دایره اسلامی بودن و ادعای خلاف آن را عنوان کردن همانند آن است که امروز که البغدادی رهبر داعش فریاد میکند که هدف ما ایجاد حکومت اسلامی عراق و شامات است آنرا جدی نگرفته و بگوئیم هدف داعش برقراری یک حکومت لیبرال است.

برای اینکه از نقش مانیفست و اظهارات رهبرانقلاب! در معرفی ماهیت انقلاب! بیشتر آگاه شویم اشاره ای از مانیفست کنگره حزب کمونیست کارگری ایران به اینجا آورده میشود تا امکان قیاس جاری باشد؛

> انقلاب سال ۸۸ ایران قبل از هر چیز ضد حکومت مذهبی و اسلامی است عمیقاً سکولار و علیه حاکمیت جهل و خرافه و آخوند <.....< (مصطفی صابر ششم دسامبر ۲۰۰۹)

حاشیه خطاب به میلانی

ملاحظه کردید که انقلاب ایران!! یعنی چه و تفاوت آن با انقلاب اسلامی!! در کجاست؟ شما آقای میلانی این فرق ساده را هم نتوانسته اید تشخیص بدهید و از انقلاب اسلامی! بنام انقلاب ایران! یاد کرده اید بیچاره آن ۱۰۰ هزار سندی که بدنام شده اند. این تحریر، حضرتعالی را دعوت میکند که این بیت سعدی را دائم زمزمه کنید؛

آن تهی مغز را چه علم و خبر که براو هیزم است یا دفتر

نتیجه گیری اول

از اشاراتی که به اختصار عرض شد این ثبوت مسلم است که عامل اصلی در انقلاب اسلامی ۵۷!، اسلام و گرایشهای به آن درتوده مردم ایران بوده است و لذا نمیتوان گفت که انقلاب مزبور خود جوش یعنی بدون عامل داخلی بوده است.

دخالت عامل خارجی در انقلاب ۵۷!

این موضوع بسیار حائز اهمیت است و اجازه فرمائید به فرصت دیگری موکول شود، زیرا ممکن است قدری مفصل باشد.